

The Relationship between Free Will and Shakelah from the Qur'anic Perspective

✉ **Seyyed Ali Akbar Hosseini**  / PhD Student of Qur'anic and Hadith Sciences, The Imam Khomeini Institute for Education and Research sahoseini91@gmail.com
Mostafa Karimi / Associate Professor at the Department of Exegesis and Qur'anic Sciences, The Imam Khomeini Institute for Education and Research karimi@iki.ac.ir
Received: 2025/02/13 - **Accepted:** 2025/04/10

Abstract

Free will is an important topic in anthropology, and a question has always been raised as to whether humans have authority over their actions or their behaviors are determined. Some Qur'anic verses seem to mean that human acts and behaves based on his/her shakelah and personality. On the other hand, an individual's shakelah is formed according to the very actions and behaviors. This raises the question as to what is the relationship between man's free will and his/her shakelah. Using the descriptive-analytical method and thematic interpretation of the verses, this research aims to elucidate the relationship between human free will and his/her shakelah from the Qur'anic perspective. Based on this research, voluntary behaviors of individuals contribute to the formation of their personality and shakelah. Through acting righteously, some individuals form a faithful personality, while others develop a corrupt personality through doing wrong actions. Sin, blasphemy, and hypocrisy lead to the corruption of a person's shakelah. On the other hand, the personality shaped by one's deliberate behaviors also influences their subsequent choices. An individual's shakelah significantly impacts his/her choice of faith or blasphemy, benefiting from divine guidance, and other critical decisions.

Keywords: shakelah, temperament, free will, voluntary action, relationship between shakelah and free will.

نوع مقاله: پژوهشی

شاخصه‌های منشأ ارزش اخلاقی از منظر قرآن کریم با تأکید بر آرای آیت‌الله مصباح یزدی

mohiti@maaref.ac.ir

حسن محیطی اردکان /  استادیار گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

مهم‌ترین بحث هستی‌شناختی در حوزه ارزش اخلاقی، مسئله منشأ ارزش اخلاقی است. منشأ ارزش اخلاقی در هریک از نظریات اخلاقی از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است که موجب تمایز آن نظریه از نظریات رقیب می‌شود و از این منظر، توجه به آن حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی استنباط شاخصه‌های منشأ ارزش اخلاقی از آیات قرآن کریم و به صورت ضمنی بیان تأثیر هریک از این شاخصه‌ها در شکل‌گیری نظریه اخلاقی متمایز برخاسته از قرآن کریم و نسبت آن با سایر نظریات است. حاصل پژوهش پیش رو نشان می‌دهد که منشأ ارزش اخلاقی از منظر قرآن کریم واقعیت عینی دارد، نه ذهنی؛ معنوی است، نه مادی؛ عقلانی است، نه غیرعقلانی؛ محرک و انگیزه‌بخش است، نه بی‌تفاوت؛ درونی است، نه بیرونی؛ و واحد است، نه متکثر. بر این اساس می‌توان مدعی شد که نظریه اخلاق قرآنی می‌تواند نوع خاصی از فضیلت‌گرایی اخلاقی به‌شمار آید که بر واقعیت، معنویت، عقلانیت و وحدت متمرکز است؛ انگیزه فاعل اخلاقی را برای صدور فعل تأمین می‌کند و اسباب تکامل جوهر وجودی انسان را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: منشأ ارزش اخلاقی، اخلاق قرآنی، تقوا، ایمان، فضیلت‌گرایی اخلاقی.

اساسی‌ترین پرسش هستی‌شناختی درباره ارزش اخلاقی پرسش درباره منشأ و سرچشمه ارزش اخلاقی است. منشأ ارزش اخلاقی، وجه امتیاز امور اخلاقی و نقطه شروع تمایز اخلاق از سایر حوزه‌های معرفتی است. تاکنون تفاسیر متفاوت و گاه متقابلی از چیستی منشأ ارزش اخلاقی و مصداق آن ارائه شده و همین امر، تکوین و تفکیک مکاتب گوناگون اخلاقی را به همراه داشته است که از جهت ارتباط با واقعیت عینی، به «واقع‌گرا» و «غیرواقع‌گرا» و از جهت هنجاری، به «فضیلت‌گرایی اخلاقی»، «نتیجه‌گرایی اخلاقی» و «وظیفه‌گرایی اخلاقی» تقسیم شده‌اند.

«فضیلت‌گرایی اخلاقی» یا «اخلاق فضیلت» رویکردی در اخلاق هنجاری است که در آن بر منش، حالات و صفات نفسانی انسان تأکید می‌شود. در فضیلت‌گرایی اخلاقی تلاش بر اصلاح درونی انسان است. مفهوم کلیدی در این رویکرد، «فضیلت» است و مسائل مرتبط با رشد اخلاقی، ارزش ذاتی فضیلت، الگوی اخلاقی، انگیزه و رابطه میان معرفت و فضیلت از مهم‌ترین مسائلی‌اند که فضیلت‌گرایان به آنها توجه کرده‌اند. در این دیدگاه، اخلاقی بودن به معنای مطابقت رفتار با غایت یا وظیفه‌ای خاص نیست؛ بلکه به معنای واجد بودن ملکات نفسانی متناسب با شئون انسان است.

وظیفه‌گرایی اخلاقی به دیدگاهی گفته می‌شود که در آن، معیار ارزش و لزوم اخلاقی، انجام وظیفه و تکلیف است. به تعبیر دیگر، کار خوب یا درست کاری نیست که مطابق فضیلت باشد یا غایت خاصی را به دنبال داشته باشد؛ بلکه کار خوب یا درست کاری است که به نیت انجام وظیفه محقق شود. دیدگاه‌های متعددی نظیر قراردادگرایی، اخلاق اگزیستانسیالیسم، نظریه امر الهی، شهودگرایی و نظریه اخلاق کانت، وظیفه‌گرا به‌شمار می‌آیند.

تمام این دیدگاه‌ها بر تکلیف و وظیفه به‌عنوان معیار ارزیابی اخلاقی اتفاق نظر دارند؛ اما در زمینه معنانشناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اخلاق تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند. سه دیدگاه نخست به ترتیب اخلاق را مرتبط با قرارداد اجتماعی، تصمیم و انتخاب فردی، و اوامر الهی می‌دانند و در زمره غیرواقع‌گرایی اخلاقی قرار دارند. شهودگرایان برخی مفاهیم اخلاقی را غیرقابل تعریف می‌دانند و بر شهود اخلاقی به‌عنوان راه شناخت اخلاق تأکید می‌کنند. بر اساس دیدگاه کانت، مفاهیم اخلاقی قابل تعریف‌اند و با عقل عملی می‌توان به معرفت‌های اخلاقی پی برد. شهودگرایی و وظیفه‌گرایی کانت، هر دو جزء دیدگاه‌های واقع‌گرایند و در زمره توجیه‌گرایی اثبات‌ناپذیر قرار دارند. «غایت‌گرایی» به دیدگاهی اطلاق می‌شود که در آن، کمال و سعادت ارزش ذاتی دارد و معیار اخلاق شمرده می‌شود. پس افعال اخلاقی بر اساس غایت یا نتیجه ارزیابی می‌شوند. دیدگاه‌های غایت‌گرا در این نکته با یکدیگر اتفاق نظر دارند که معیار ارزش اخلاقی دستیابی به کمال نهایی است؛ اما در اینکه مصداق این کمال نهایی لذت، آرامش خاطر، قدرت، دیگرخواهی، سود یا امور دیگر است، با یکدیگر اختلاف نظر دارند و بر این اساس به لذت‌گرایی، دنیاگرایی، قدرت‌گرایی، عاطفه‌گرایی، سودگرایی و... تقسیم می‌شوند. همچنین در این نکته با یکدیگر اختلاف دارند که در انجام فعل اخلاقی، کمال و خیر چه کسی را باید در نظر گرفت؛ خود، دیگران یا همه؟ بر همین اساس، مکاتب غایت‌گرا به سه دسته خودگرایی، دیگرگرایی و همه‌گرایی تقسیم می‌شوند و هر کدام مشتمل بر نظریاتی هستند که

در جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۴۵-۴۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵؛ محیطی اردکان و احمدی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲-۱۵۸، ۱۶۲-۱۶۳ و ۱۸۲-۱۸۳؛ Slote, 2001, p.1691-1693).

در مواجهه با برخی دیدگاه‌ها، ممکن است عناصری از نظریه‌های فوق مشاهده شود و به همین دلیل برخی پژوهشگران از ترکیب آنها با یکدیگر سخن به میان آورده‌اند و بدین ترتیب، گونه‌های مختلفی از فضیلت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی مطرح شده است. «فضیلت‌گرایی غایت‌گرا» نمونه‌ای از این نوع نظریات است که تبیین آن در فهم مدعای مطرح‌شده در این نوشتار و پیشگیری از تلقی ادعای استقلال فضیلت‌گرایی مطرح‌شده از غایت‌گرایی، مؤثر خواهد بود. فضیلت‌گرایی غایت‌گرا به شاخه‌ای از فضیلت‌گرایی اطلاق می‌شود که عناصری از فضیلت‌گرایی و غایت‌گرایی در آن وجود دارد؛ بدین معنا که ممکن است منشأ ارزش اخلاقی، دست یافتن به غایت باشد؛ اما آن غایت به گونه‌ای است که از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریات فضیلت‌گرا، نظیر درونی و مرتبط با نفس فاعل بودن و انگیزه‌بخش بودن برخوردار است و همین امر این نوع نظریه را از سایر نظرات متمایز می‌کند (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷-۱۵۸). دیدگاه اخلاقی ارسطو نمونه‌ای از فضیلت‌گرایی غایت‌گرا به‌شمار می‌آید و از این جهت دیدگاه وی با مدعای مقاله پیش رو نزدیک و مشابه است؛ گرچه این دو از وجوه بسیار مهم دیگری با یکدیگر تفاوت دارند (محیطی اردکان و احمدی، ۱۳۹۸).

پرسی که برای آشنایان به مکاتب و نظریات مختلف اخلاقی از یک‌سو و معارف و آموزه‌های قرآنی از سوی دیگر پیش می‌آید، این است که ارزش‌های اخلاقی مطرح‌شده در قرآن کریم و مبانی آن به کدام‌یک از مکاتب و نظریات مطرح‌شده در حوزه اخلاق و فلسفه اخلاق نزدیک‌تر و از کدام دورتر است. بدیهی است که پاسخ به این پرسش مهم مستلزم آشنایی با مبانی اخلاقی سایر نظریات از یک‌سو و مبانی اخلاق قرآنی از سوی دیگر است. پژوهش حاضر با تمرکز بر آیات قرآن کریم و بررسی دلالت‌های فلسفی آن، تأمین مبانی اخلاق قرآنی را هدف قرار داده و به معرفی شاخصه‌های بنیادین منشأ ارزش اخلاقی از منظر قرآن کریم پرداخته است.

معرفی شاخصه‌های بنیادین منشأ ارزش اخلاقی، دست‌کم از دو جهت حائز اهمیت است: تعمیق شناخت اخلاق قرآنی، و تمایز آن از سایر نظریات غیراسلامی یا نظریات اسلامی غیراصیل. با اینکه در نگاه نخست به نظر می‌رسد اخلاق قرآنی در بین عوام و خواص مسلمانان شناخته‌شده باشد، اما در نگاهی دقیق‌تر باید اذعان کرد که تنها کلیات یا اصول اخلاق قرآنی شناخته‌شده است، بدون آنکه بتوان ظرافت‌های آن را شناخت و در برابر پرسش‌های جدید درباره مبانی اخلاق قرآنی پاسخ‌های دقیقی ارائه کرد؛ افزون بر اینکه عدم تعمیق در مبانی اخلاق قرآنی می‌تواند زمینه‌ساز تحریف اندیشه‌های قرآنی و اسلامی به شکل‌های گوناگون باشد. تمایز اخلاق قرآنی از سایر نظریات نیز وجه دوم اهمیت است. تطبیق و مقایسه بین اخلاق قرآنی و سایر رویکردهای اخلاق اسلامی (مانند اخلاق فلسفی و عرفانی) و سایر نظریات اخلاقی غربی و شرقی مستلزم شناخت دقیق مختصات اخلاق قرآنی است. هر دو وجه یادشده، به‌ویژه با توجه به حوادث کنونی بین‌المللی مرتبط با ظلم آشکار مستکبران جهانی و مظلومیت مسلمانان غزه که زمینه را برای بیداری وجدان آزادگان جهان و ترغیب ایشان به بررسی نظام فکری برخاسته از منابع اصیل معرفت اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم را فراهم آورده، قابل اعتنا و توجه است.

افزون بر این، بیان ویژگی‌های مبانی اخلاق قرآنی به ایضاح مباحث درون دینی به لحاظ ایجابی کمک می‌کند؛ همچنین در نقد دیدگاه‌های بالفعل یا بالقوه‌ای نیز مؤثرند که یا به انعکاس ارزش‌های اخلاقی در قرآن کریم باور ندارند یا هویت مستقلی را برای نظریه‌ای برگرفته از قرآن کریم در حوزه اخلاق قائل نیستند یا با تفاسیر نادرست از آیات الهی منکر تمایز ماهوی بین اخلاق الهی برگرفته از قرآن کریم و گونه‌های مختلف اخلاق بشری‌اند.

بنابراین پژوهش پیش رو منشأ ارزش اخلاقی را از جهت شاخصه‌های اصلی و بنیادین بررسی خواهد کرد و به این پرسش پاسخ خواهد داد که بر اساس قرآن کریم منشأ ارزش اخلاقی از چه شاخصه‌هایی برخوردار است. در این راستا و پیش از هر چیز لازم است که مراد از مفاهیم کلیدی، یعنی ارزش، ارزش اخلاقی و منشأ ارزش اخلاقی روشن شود؛ سپس انعکاس ارزش‌های اخلاقی در قرآن کریم، به عنوان مهم‌ترین مبنای پژوهش حاضر، مورد توجه قرار می‌گیرد و در ادامه، با تمرکز بر آیات قرآن کریم، شاخصه‌های منشأ ارزش اخلاقی از منظر قرآن کریم شمارش خواهد شد.

۱. مفاهیم

۱-۱. ارزش

تاکنون تعاریف زیادی برای مفهوم ارزش ارائه شده است؛ تاجایی که برخی حدود ۱۴۰ تعریف متفاوت را برای این مفهوم یافته‌اند؛ اما ارائه معنایی که مورد اتفاق همه یا بیشتر اندیشمندان باشد، بسیار دشوار یا غیرممکن است (ون دث و بروگ، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴). برخی نیز احتمال بدیهی بودن یا نبود معادل مفهومی برای واژه ارزش را قوی دانسته‌اند (معلمی، ۱۳۸۴، ص ۲۱). به هر صورت، این مفهوم درباره مطلوبیت امور به کار می‌رود؛ برای نمونه، درباره اموری که به گونه‌ای مطلوب فرد، افراد خاص یا عموم انسان‌ها باشند، گفته می‌شود که آن امور دارای ارزش‌اند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶-۱۰۸).

همچنین مطلوبیت در هر حوزه‌ای، بسته به اینکه فی نفسه و ناوابسته به مطلوبیت امور دیگر باشد یا وابسته، به دو دسته ذاتی و غیرتی تقسیم می‌شود و بر این اساس، ارزش نیز دو قسم است: ذاتی و غیرتی (مصباح، ۱۳۸۷، ص ۵۲-۵۳). گاهی ارزش به معنای عام‌تری به کار می‌رود که مطابق آن، امور بالارزش دارای ارزش مثبت‌اند؛ امور ضدارزش ارزش منفی دارند و امور بی‌ارزش دارای ارزش خنثی یا صفرند. بنابراین با کاربرد ارزش در معنای عام، می‌توان ارزش را به سه دسته مثبت، منفی و خنثی (صفر) تقسیم کرد.

۱-۲. ارزش اخلاقی

ارزشی که در علم اخلاق مطرح است و از آن به ارزش اخلاقی تعبیر می‌شود، به معنای مطلوبیت خاص، یعنی مطلوبیت اخلاقی است. مطلوبیت اخلاقی به صفات اکتسابی و افعال اختیاری انسان مربوط است؛ زیرا موضوع اخلاق و گزاره‌های اخلاقی، صفات و رفتارهای اختیاری انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف ج ۱، ص ۴۸-۵۰؛ مصباح، ۱۳۸۷، ص ۶۸). به تبع ارزش، ارزش اخلاقی نیز به دو قسم ذاتی و غیرتی تقسیم می‌شود. در اخلاق، آنچه ذاتاً مطلوب است، ارزش ذاتی دارد؛ و صفات و رفتارهایی که موجب دستیابی به مطلوب ذاتی‌اند، ارزش غیرتی دارند. همچنین متعلق هریک از انواع ارزش

ذاتی و غیر اخلاقی می‌تواند بالارزش، ضد ارزش و بی‌ارزش یا دارای ارزش مثبت، منفی و خنثی باشد. معیار مثبت، منفی و خنثی بودن ارزش‌های غیر، تناسب و سازگاری متعلق ارزش غیر با ارزش ذاتی است. بنابراین اگر متعلق ارزش غیر با ارزش ذاتی متناسب و سازگار باشد، بالارزش یا دارای ارزش مثبت است؛ اگر متعلق ارزش غیر با ارزش ذاتی نامتناسب و ناسازگار باشد، ضد ارزش یا دارای ارزش منفی است و در صورت تعادل میان سازگاری و ناسازگاری، بی‌ارزش یا دارای ارزش خنثی یا صفر است. ارزش اخلاقی در این پژوهش به معنای اعم از لزوم یا الزام اخلاقی است و آن را نیز شامل می‌شود و از این جهت، از معنای مضیق ارزش، که معمولاً در عرض لزوم یا الزام اخلاقی قرار می‌گیرد، متمایز است.

۱-۳. منشأ ارزش اخلاقی

«منشأ» در لغت مترادف با سرچشمه، مبدأ، محل پیدایش، منبع، سبب، باعث و موجب است و در این معانی استفاده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه «منشأ»). این واژه در اصطلاح ممکن است در معانی متفاوت معرفت‌شناختی، روان‌شناختی و هستی‌شناختی به کار گرفته شود. اولین معنای محتمل، معنای منبع بودن است. در این صورت، بحث درباره ارزش اخلاقی، ماهیت معرفت‌شناختی پیدا می‌کند و سخن بر سر این است که برای تشخیص ارزش‌های اخلاقی و فهم مصادیق فضایل و رذایل اخلاقی باید به کدام منبع یا منابع معرفت رجوع کرد. همچنین ممکن است معنای روان‌شناختی از این واژه اراده شود.

معنای محتمل دوم، مبدأ روان‌شناختی است و مراد از منشأ ارزش اخلاقی، مبدأ روان‌شناختی ارزش اخلاقی است. در این هنگام پرسش این است که چه عوامل روان‌شناختی‌ای می‌تواند در باور به ارزش‌های اخلاقی تأثیرگذار باشد؛ به تعبیر دیگر، اگر مردم به ارزش‌های اخلاقی باورمندند، این باورمندی به لحاظ روان‌شناختی متأثر از کدام عوامل است؟ روشن است که فهم این عوامل می‌تواند در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و ترویج آن مؤثر واقع شود و در نوع خود بحثی مهم قلمداد می‌شود. سوئمن معنایی که ممکن است منشأ اراده شود، معنایی معادل با معیار و ملاک است. در این معنا، زمانی که از منشأ ارزش اخلاقی سخن به میان می‌آید، بحث بر سر معیار ارزش اخلاقی است و به پاسخ به این پرسش پرداخته می‌شود که ملاک و معیار خوب بودن امور خوب یا بد بودن امور بد چیست. منشأ در این معنا سرچشمه ارزش‌های اخلاقی به‌شمار خواهد آمد و ارزش سایر ارزش‌های اخلاقی بر اساس آن سنجیده می‌شود.

۲. منشأ ارزش اخلاقی در قرآن کریم

پیش از بررسی ویژگی‌های منشأ ارزش اخلاقی بر اساس آیات قرآن کریم، لازم است اصل مصداق منشأ ارزش اخلاقی مورد توجه قرار گیرد تا با درک دست‌کم اجمالی از آن، شاخصه‌های مرتبط با آن منشأ به‌صورت بهتری درک و فهم شود. از این رو مفهوم تقوا و نسبت آن با منشأیت ارزش اخلاقی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱-۲. منشأ بودن تقوا و ایمان برای ارزش اخلاقی

کلمه «تقوا» اسم مصدر از «اتَّقَی، یتَّقَی» است و ریشه این کلمه از ماده «وقایه» است و در اصل، «وقوی» بوده که واو به تاء تبدیل شده است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۱۸۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۷۰). معنای لغوی تقوا

این است که انسان نفس و جان خود یا دیگری را از آنچه از آن بیمناک است، نگه دارد و تفاوت نمی‌کند که آن خطر چه باشد. در فارسی از این معنا به «پرهیزگاری» تعبیر می‌شود. بنابراین در اصل معنای لغوی تقوا، مفهوم «خوف» اشراب شده و گاهی به خود خوف و ترس، «تقوا» اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۸۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که مفهوم تقوا به معنای نگهداری یا خویش‌داری است و یک نیروی کنترل درونی شمرده می‌شود که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند و در واقع، نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را در پرتگاه‌ها حفظ می‌کند و از تدروی‌های خطرناک بازمی‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۹).

آیت‌الله مصباح به تبیین معناشناختی از تقوای اخلاقی در قرآن کریم می‌پردازد و معتقد است که از نظر قرآن، در مفهوم اخلاقی تقوا سه ویژگی باید لحاظ شود: اولاً خطر مورد احتراز باید از ناحیهٔ فاعل مختار باشد؛ بنابراین حفظ خود از خطرانی که از آسمان یا دیگر عوامل طبیعی انسان را تهدید می‌کند، ربطی به اخلاق ندارد؛ ثانیاً از آنجایی که مهم‌ترین مسئله برای شخص مؤمن، حیات اخروی و مسائل دینی و معنوی است، این خطر باید متوجه سعادت ابدی و دین انسان باشد؛ ثالثاً در جهان‌بینی توحیدی، از آن‌جایی که هر نفع و ضرری از جانب خداوند متعال است، بر همین اساس انسان موحد علت فاعلی و اصلی هر خطری را - قطع نظر از وسایط - خداوند متعال می‌داند و بر همین اساس ویژگی سوم تقوا این است که انسان در برابر خداوند تقوا دارد، نه در برابر غیر او. بر اساس این ویژگی‌ها، مقصود از «تقوای اخلاقی» حالت و ملکه‌ای است که به‌واسطهٔ آن، انسان خطری را که از جانب رفتارهای اختیاری خودش سعادت ابدی و اخروی‌اش را تهدید می‌کند، از خود دور کند. به چنین شخصی «متقی» و به آن حالت و ملکهٔ خاص «تقوا» گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۷۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص ۲۴۲-۲۴۳).

در مجموع با نظر به کارکردهای مختلف معنایی مفهوم تقوا می‌توان سه معنای آن را از یکدیگر تفکیک کرد و معنای مورد نظر را از میان آنها مشخص نمود. یکی از پرکاربردترین معانی تقوا، انجام واجبات و ترک محرّمات است و به تعبیر دیگر بر اعمال صالح صدق می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۱۲۱). کاربرد دیگر تقوا، ممکن است افزون بر فعل و ترک، ناظر به حالتی درونی نیز باشد که با تقوا به معنای فوق تلازم دارد؛ بدین معنا که در صورت تحقق شرایط و فقدان موانع، این حالت نفسانی موجب صدور فعل متناسب خواهد شد یا دوری از فعل نامناسب را به دنبال خواهد داشت. این معنا از تقوا وسیله و ابزاری برای تقرب به خداوند است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۲۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۲۶۶). تقوا در معنای نخست، وصف فعل و ترک فعل است و از این جهت، ارزش آنها وابسته به امر دیگری است که گاه «ایمان» نامیده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۱۶۶). تقوا به معنای دوم نیز، گرچه وصف حالتی از حالت‌های نفس است، با کمال نهایی انسان (قرب الهی) یکی نیست؛ هرچند تقوا در این معنا نیز از ویژگی‌ها و فضایل مهم اخلاقی به‌شمار می‌آید و تقویت آن می‌تواند به آن مرتبه منتهی شود. از این رو در برخی تعبیر، از آن به راه دستیابی به قرب الهی یا سعادت ابدی یاد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۱۶۶). تقوا در آیهٔ ۲۰۰ سورة آل عمران (اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) بر این معانی قابل حمل است.

افزون بر دو معنای اخیر، تقوا در برخی موارد صفت عام کمال انسان است و به معنای قرب به خداوند به کار می‌رود یا دست‌کم با آن تلازم دارد؛ به گونه‌ای که درجه تقوای هر کس همان درجه قرب او به خداست (مصباح، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱۸). تقوا به این معنا حاصل و نتیجه افعال نیک و دوری از افعال ناپسند و همچنین نتیجه و حاصل همه صفات اکتسابی کمالی انسان است.

تقوا به معنای سوم (باتقوا بودن) با باور به خداوند، معاد و نبوت تلازم دارد و از این رو به لحاظ حیثیت‌های مختلف، همین امر سرچشمه فضایل دیگری مانند خوف و خشیت می‌شود. برخی صاحب‌نظران حوزه اخلاق اسلامی معتقدند چنین معنایی از تقوا، که آمیخته به ایمان به خداوند، روز قیامت و معاد است، «هم اصول اخلاق اسلامی را دربردارد و هم جهت حرکت را نشان می‌دهد و می‌توان آن را به عنوان تنها ملاک ارزش در افعال اختیاری انسان مطرح کرد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۷۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۲). تنها ملاک دانستن تقوا در این تفسیر، مربوط به مفهوم عام تقواست.

در تحلیلی دیگر درباره منشأ ارزش، بر این نکته تأکید شده است که ارزش اخلاقی در اخلاق اسلامی وابسته به نیت (تقرب) فاعل اخلاقی است و تحقق آن نیز مستلزم ایمان به خداوند و روز قیامت است. بنابراین آنچه منشأ ارزش اخلاقی به‌شمار می‌آید، همان ایمان به خداوند و روز قیامت است و به تعبیری ارزش‌های اخلاقی در اندیشه اخلاقی اسلام، ریشه در نظام عقیدتی اسلام دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۱۱۶-۱۱۷). همچنین از آنجاکه ایمان نیز فعلی جوانحی و اختیاری است، خود در امور دیگری نظیر علم و معرفت یا کمال‌طلبی انسان ریشه دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۱۱۷-۱۱۸). بر اساس این تحلیل نیز ایمان منشأ ارزش اخلاقی است؛ به این معنا که ارزش ایمان ذاتی است و در بین امور اختیاری، ارزش آن وابسته به امر دیگری نیست. همچنین ارزش اخلاقی سایر افعال، وابسته به آن است.

این دو تحلیل (منشأ دانستن تقوا به معنای سوم و ایمان به معنای خاص) را نباید با یکدیگر ناسازگار دانست؛ زیرا در تقوا به معنای مورد نظر، ایمان نیز مندمج است و در شواهدی از قرآن کریم - که در ادامه به آن اشاره خواهد شد - همین معنای تقوا می‌تواند یکی از معانی محتمل تفسیر شود.

به آیات متعددی از قرآن کریم برای اشاره به وابستگی ارزش اعمال انسان به ایمان و منشأ بودن ایمان نسبت به آنها استناد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۶۵-۷۰). از جمله آنها می‌توان به آیه ۹۷ سوره نحل (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً...) اشاره کرد. افزون بر ایمان، تقوا و پرهیزگاری (به معنای یادشده) در بسیاری از آیات قرآن کریم و به شیوه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در تعداد قابل توجهی از این آیات، نظیر آیه ۲۱ سوره بقره و آیه ۷۶ سوره آل عمران، خداوند متعال با امیدبخشی در زمینه دستیابی به تقوا و پرهیزگاری، به عبادت خداوند فراخوانده است. این دسته از آیات، به‌ویژه آیه اخیر، گمان‌آشنایان به آموزه‌های قرآنی را در خصوص منشأ بودن تقوا نسبت به سایر ارزش‌های اخلاقی برمی‌انگیزد. این گمان زمانی بیشتر تقویت می‌شود که مفاد گزاره پایانی آیه ۸ سوره مائده به صورت ویژه مورد دقت و توجه قرار گیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...». در این آیه، نزدیک‌تر بودن به تقوا به عنوان وجه لزوم رعایت عدالت معرفی شده است.

شاهد دیگری که می‌توان به آن در جهت منشأ بودن تقوا استناد کرد، آیه ۱۳ سوره حجرات است؛ جایی که گرامی‌ترین افراد نزد خداوند، باتقواترین آنها دانسته شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». بر اساس این آیه شریفه می‌توان تقوا و پرهیزگاری را منشأ ارزش اخلاقی دانست. تعبیر «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» بر این نکته دلالت مؤکد دارد که معیار ارزشمند بودن افعال، تقواست و چنان‌که پیش از این توضیح داده شد، تقوا مفهومی غنی است که ایمان به خداوند و لوازم آن (ایمان به معاد و نبوت) را نیز به همراه دارد.

۳. واقعی بودن منشأ ارزش اخلاقی

یکی از دسته‌بندی‌های مکاتب اخلاقی که طرح آن با نام آیت‌الله مصباح یزدی گره خورده، تقسیم آنها بر اساس ارتباطشان با واقعیت عینی است. بر این اساس، آن دسته از نظریاتی که منشأ اخلاق را اموری ساجکتیو و ذهنی نظیر خواست و احساس فرد یا توافق جمع می‌دانند، در زمره مکاتب غیرواقع‌گرا قرار می‌گیرند و نظریاتی که منشأ اخلاق در آنها امور آبجکتیو و عینی (به معنای نفی ذهنی و ساجکتیویته) است، جزء مکاتب واقع‌گرا به‌شمار می‌آیند. با بررسی آیات قرآن کریم از این منظر، به‌وضوح واقع‌گرایی اخلاقی قابل استنباط و استنتاج است. در ادامه، ضمن اشاره به آیات نافی حسن و قبح شرعی، احساسی و عرفی، به ویژگی واقعی بودن منشأ ارزش اخلاقی در رویکرد قرآنی اشاره شده است.

۳-۱. نفی منشأ شرعی برای ارزش اخلاقی

در آیات متعددی از قرآن کریم به حسن و قبح واقعی اشاره شده است؛ دیدگاهی که در برابر نظریات اشاعره مبنی بر حسن و قبح شرعی قرار دارد. در این باره می‌توان به آیه ۱۳ سوره لقمان اشاره کرد: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». در این آیه، پس از نهی از شرک‌ورزی به خداوند متعال، به پشتوانه واقعی این نهی، یعنی مصداق ظلم بودن شرک، اشاره شده است. در آیه ۱۵۷ سوره اعراف (يَا مُرْهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ) نیز منشأ امر و نهی الهی معروف و منکر بودن فعل دانسته شده است، نه اینکه منشأ معروف و منکر، امر و نهی الهی باشد و این امر نیز به‌وضوح بر استقلال حسن و قبح از امر و نهی الهی در مقام ثبوت دلالت دارد و شاهدی بر واقع‌گرایانه بودن اخلاق قرآنی است. آیات ۱۰۴ سوره آل عمران، ۳۴ سوره فصلت و ۶۰ سوره الرحمن نیز بر واقعی بودن منشأ ارزش اخلاق قرآنی و به‌طور عام بر نفی شرعی بودن اخلاق الهی دلالت دارند. به‌تعبیردیگر، محکی این آیات را می‌توان در برابر مدعای قائلین به نظریه امر الهی، نظیر اشاعره، دانست که حسن و قبح را وابسته به امر و نهی الهی می‌دانند و فرامین الهی را منشأ ارزش اخلاقی می‌شمارند. از نظر ایشان، آنچه بالذات ارزشمند یا ضارزش است، متعلق امر و نهی خداوند است و با قطع نظر از فرامین الهی نمی‌توان ماهیت منشأ اخلاقی را درک کرد. این در حالی است که مطابق آیات ذکرشده، حتی با قطع نظر از اوامر و نواهی الهی، به لحاظ منطقی می‌توان از منشأ ارزش اخلاقی سخن به میان آورد؛ گرچه کشف مصداق منشأ ارزش اخلاقی ممکن است نیازمند توجه به همه منابع معرفت، از جمله اوامر و نواهی خداوند متعال، باشد. به هر صورت بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، ارزش‌های اخلاقی ریشه در واقعیت دارند، نه در صرف اوامر و نواهی الهی.

۲-۳. نفی منشأ احساسی برای ارزش اخلاقی

مراد از «احساس» در اینجا، خواسته‌های نفسانی انسان و به تعبیر دیگر هوا و هوس است. ویژگی ارزش‌های اخلاقی قرآنی فاصله عمیقی است که این دسته از ارزش‌ها با خواسته‌های نفسانی انسان دارند. ارزش‌های اخلاقی از منظر قرآن کریم تابع هوا و هوس انسان نیستند. این امر در آیات متعددی منعکس شده است؛ برای نمونه، خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره کهف مؤمنان را از تبعیت هوا و هوس پرهیز داده است: «وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ قُرْطُطًا».

آیات دیگری نیز بر تقابل اخلاق اسلامی با هوای نفسانی اشاره دارند و نشان می‌دهند که بر اساس اخلاق قرآنی نمی‌توان خواست نفسانی انسان را منشأ حسن و قبح قرار داد. در آیه ۴۳ سوره فرقان (أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...) و آیه ۲۳ سوره جاثیه (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...) با تعبیر مشابهی به مذمت کسانی پرداخته است که پیروی از هوا و هوس را آرمان و هدف خود دانسته‌اند. آیه ۲۶ سوره ص نیز تبعیت از هوا را مایه گمراهی از راه خدا دانسته است و به تقابل اخلاق قرآنی و اخلاق احساسی اشاره می‌کند: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحُسَابِ».

۳-۳. نفی منشأ عرفی برای ارزش اخلاقی

افزون بر اینکه اخلاق قرآنی در تقابل با نظریه امر الهی (قائلین به حسن و قبح شرعی) و احساس‌گرایی (قائلین به احساسی بودن منشأ ارزش اخلاقی) قرار دارد، با دیدگاه‌های عرف‌گرا، که دسته دیگری از دیدگاه‌های غیرواقع‌گرا به‌شمار می‌آیند نیز ناسازگار است (محیطی اردکان، ۱۳۹۶). در قرآن کریم با شدت و وضوح، از تبعیت از عرف نهی شده است و مطابق آیات شریفه، بین کثرت پیروان یک نظریه یا عمل اخلاقی و درستی آن تلازمی وجود ندارد. در آیات متعددی نظیر آیه ۱۰۴ سوره مائده، تبعیت و تقلید از گذشتگان مذمت شده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ».

در برخی آیات، فقدان علم و یقین به‌عنوان دلایل عرف‌گرایی و تبعیت از پیشینیان مطرح شده است؛ برای نمونه در آیه ۱۱۶ سوره انعام، تبعیت از اکثر انسان‌ها مایه گمراهی از راه خدا دانسته و منشأ آن تبعیت از ظن و گمان اعلام شده است: «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ». آیه ۲۴ سوره انبیاء نیز اکثریت را تابع ظن و گمان دانسته و منشأ چنین تبعیتی را عدم علم به حق معرفی کرده است: «أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ مِّن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ». در آیه ۳۶ سوره یونس نیز ضمن مذمت عرف‌گرایی، به ریشه تبعیت از ظن و گمان به‌عنوان مبدأ فعل عموم انسان‌ها اشاره شده است: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ».

۴. معنوی بودن منشأ ارزش اخلاقی

یکی از شاخصه‌های اخلاق قرآنی، ارتباط آن با ایمان فاعل اخلاقی است؛ بدین معنا که اخلاقی بودن یک فعل، وابسته به ارتباط آن با تقوای الهی است و روشن است که تقوای الهی ناظر به حالات معنوی فاعل اخلاقی و آکنده

از مضامین معنوی است. رویکرد معنوی به اخلاق، که به وضوح در قرآن کریم منعکس شده است، در برابر رویکردهای ماتریالیستی و مادی‌گرایانه به اخلاق قرار دارد. معنوی بودن تقوای الهی پیوندی ناگسستنی با اصل ایمان به غیب دارد؛ به گونه‌ای که در برخی آیات، نظیر آیات ۲ تا ۴ سوره بقره، پرهیزگاران و متقین با ایمان به غیب شناسانده شده‌اند: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ... وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ». روشن است که ایمان به آنچه بر پیامبر اسلام ﷺ و پیامبران پیشین نازل شده است و نیز ایمان به آخرت، مصادیقی از ایمان به غیب‌اند و ایمان به غیب مورد نظر در این آیات، بیش از آنکه مربوط به امور مادی باشند، از نوع معنوی‌اند. در آیات دیگری شرط ایمان برای دستیابی به حیات طیبه و زندگی مطلوب انسانی کاری درست شمرده شده است. بر اساس این دسته از آیات، انجام اعمال صالح شرط لازم برای دستیابی به حیات طیبه است؛ اما شرط کافی نیست. مطابق آیه ۹۷ سوره نحل، عمل صالح در صورتی به حیات طیبه منتهی می‌شود که همراه با ایمان باشد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». بر این اساس، آنچه موجب قبولی عمل شمرده شده، ایمان است. ایمان امری معنوی است و مصادیق آن، مطابق آیه ۲۸۵ سوره بقره، ایمان به خداوند، ملائکه الهی، کتب آسمانی و رسولان الهی است و مطابق آیات آغازین سوره بقره، شامل ایمان به غیب، آموزه‌های وحیانی و آخرت است، که همه این امور با رشد نفس علوی انسان که امری معنوی است، سروکار دارند.

۵. عقلانی بودن منشأ ارزش اخلاقی

در تبیین فوق روشن شد که تحقق تقوا منوط به تحقق ایمان به غیب و سایر امور معنوی ماورایی به عنوان عناصر معنوی دخیل در ارزش اخلاقی با رویکرد قرآنی است. همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، مراد از تقوا معنای عام آن است و مشتمل بر عنصر ایمان نیز می‌شود و از آنجاکه ایمان با مقوله شناخت و معرفت سروکار دارد، می‌توان تقوا را با معرفت و عقلانیت مرتبط دانست، که اخلاق قرآنی را از مکاتبی نظیر ایمان‌گرایی کیرکگارد متمایز خواهد کرد؛ زیرا ایمان بدون معرفت امکان‌پذیر نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۸). البته اذعان به پیوند میان ایمان و معرفت بدان معنا نیست که تصور هریک بدون دیگری ممکن نیست و تلازم طرفینی بین این دو برقرار است؛ زیرا گرچه ایمان بدون علم و معرفت امکان‌پذیر نیست، اما علم و معرفت بدون ایمان ممکن است؛ زیرا ایمان، فعلی اختیاری است که در نتیجه علم و گرایش به متعلق آن پدید می‌آید. بنابراین ایمان کنشی است که مستلزم بینش و گرایش معطوف به متعلق ایمان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳، الف، ص ۶۷).

به باور آیت‌الله مصباح یزدی، از جمله آیاتی که بر لزوم شناخت و معرفت برای تحقق ایمان دلالت دارند، می‌توان به آیه ۲۹ سوره روم اشاره کرد که منشأ هوا و هوس و در نتیجه گمراهی آنها را فقدان علم و آگاهی دانسته است. همچنین در آیه ۲۸ سوره فاطر، خشیت که لازمه ایمان است، از ویژگی‌های صاحبان علم شمرده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، الف، ص ۳۰۹-۳۱۰).

آیه دیگری که در آن به ویژگی و شاخصه عقلانیت منشأ ارزش اخلاقی اشاره شده، آیه ۲۲ سوره انفال است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ». در این آیه، بدترین جنبندها نزد خداوند متعال افرادی معرفی شده‌اند که گوششان در برابر شنیدن سخن حق کر است و زبانشان از گفتن سخن حق لال (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۲). بر اساس این آیه از قرآن کریم، این افراد فاقد عقلانیت کافی برای درک حق‌اند. بنابراین همان‌طور که در آیه ۱۳ سوره حجرات برترین انسان‌ها نزد خداوند باتقواترین آنها معرفی شده‌اند، در آیه ۲۲ سوره انفال نقطه مقابل آن، یعنی بدترین انسان‌ها معرفی شده‌اند و آنها کسانی‌اند که به دلیل محرومیت از عقلانیت، فاقد پیش‌نیاز لازم برای برخورداری از تقوایند.

۶. انگیزه‌بخشی منشأ ارزش اخلاقی

کسی که به خداوند متعال و اوصاف کمالی او ایمان واقعی دارد، در برابر انجام عمل صالح بی تفاوت نخواهد بود؛ بلکه معرفت توحیدی، او را برای عمل به هر فعلی که موجب رضایت الهی است، برمی‌انگیزد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۵۶-۵۷). بنابراین ایمان اگر واقعی باشد، در صورت فقدان موانع موجب انگیزه فاعل اخلاقی می‌شود تا بر اساس آنچه درونی شده (که همان ایمان واقعی است)، فعلی را انجام دهد و آن فعل صادرشده نتیجه‌ای جز رضایتمندی الهی را به دنبال نخواهد داشت. بنابراین بین فضیلت‌مندی به معنای اتصاف به ایمان واقعی و لحاظ رضایت الهی به‌عنوان نتیجه و غایت فعل، ناسازگاری وجود ندارد و این امر بر اساس نگاه فضیلت‌گرایی غایت‌گرا تفسیرپذیر است. بنابراین تقوا و ایمان به‌عنوان منشأ ارزش اخلاقی، انگیزه‌بخش و محرک‌اند، نه اینکه موجب سستی و بی تفاوتی فاعل اخلاقی باشند. از این‌رو اخلاق مؤمنانه برخاسته از قرآن کریم در برابر حوادث گوناگون پیرامون خود بی تفاوت نخواهد بود و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... به‌اندازه وسیع خود در گستره داخلی یا بین‌المللی مشارکت فعال خواهد داشت و با جان و دل از عنصر اصلی اخلاق قرآنی و بن‌مایه هویت متمایز اسلام و مسلمین دفاع خواهد کرد. به این حقیقت، در آیات متعددی از قرآن کریم، نظیر آیه ۷۴ سوره انفال اشاره شده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا وَجَاهَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَصَرَّوْا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ».

نمونه دیگر، آیه ۱۷۷ سوره بقره است که در آن، پس از تعریف «بر» و نیکی» بر پایه ایمان، به لوازم عملی ایمان اشاره شده و در پایان، چنین ایمانی که در زمینه تحقق پیامدهای عملی انگیزه‌بخش است و در اثر آن، افعال نیک متعددی در عرصه‌های فردی و اجتماعی تحقق یافته‌اند، با وصف متقی بودن شناخته شده است:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

۷. درونی بودن منشأ ارزش اخلاقی

به دلیل نقش آفرینی تقوا و ایمان به‌عنوان مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده ارزش اخلاقی، رویکرد اخلاق قرآنی از جهت دیگری نیز از بسیاری از مکاتب اخلاقی متمایز است و آن جهت، درونی، باطنی یا قلبی بودن منشأ ارزش اخلاقی است. مراد از

درونی بودن ارزش اخلاقی این است که ارزش اخلاقی افعال اختیاری انسان در رویکرد قرآنی، وابسته به ایمان فرد و نیت و انگیزه اوست. چنانچه انگیزه فرد الهی باشد، فعل انجام‌شده دارای ارزش اخلاقی است و بهره‌مندی از نعمات بهشتی و رضایت الهی نیز بر آن مترتب می‌شود و چنانچه انگیزه و نیت فاعل اخلاقی شیطانی باشد، افعال وی نیز - هرچند صورت زیبایی داشته باشند - سبب نازیبا خواهند داشت و فاعل اخلاقی را به‌سوی شقاوت و نگون‌بختی سوق می‌دهند.

در آیه ۱۷۷ سوره بقره - که پیش از این به آن اشاره شد - برّ و نیکی به کسی تعریف شده است که به خداوند، روز قیامت، کتب آسمانی و تبیین ایمان داشته باشد و افعال متناسب با آن ایمان از او سر بزند. توجه به درونی بودن متعلق نیکی درآیه مذکور حائز اهمیت است؛ با این توضیح که در اینجا نیکی نخست با باورهای اساسی، که گاه از آن با عنوان «عقاید» یاد می‌شود، آغاز شده است. بنابراین سرآغاز و منشأ اخلاق، اموری درونی و باطنی است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۲۱).

توجه به ماهیت ایمان می‌تواند درونی و قلبی بودن ایمان را بیش از پیش روشن سازد. مطابق برخی روایات، ایمان عبارت است از تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی: «حَقِيقَةُ الْإِيْمَانِ هُوَ تَصْدِيقُ بِالْجَنَانِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۱۶). در برخی آیات قرآن کریم نیز به ارتباط ایمان با قلب اشاره شده است؛ برای مثال، در آیه ۱۴ سوره حجرات خداوند متعال اطلاق مؤمن را برای اعرابی که صرفاً اصول دین را پذیرفته‌اند و ایمان هنوز در دل آنها رسوخ نیافته است، نادرست می‌شمارد و توصیه می‌کند که خود را به‌جای مؤمن، «مسلمان» بدانند: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...». این امر حاکی از آن است که قوام ایمان، به تصدیق قلبی است و بدون آن، اطلاق ایمان نادرست است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴الف، ص ۳۱۱).

تأکید بر نیت، باطن و پذیرش قلبی در مسائل اخلاقی، دیدگاه فضیلت‌گرایی اخلاقی را به ذهن متبادر می‌سازد و ذهن مخاطب آشنا با مکاتب فلسفی در مواجهه با چنین آیاتی، به‌سوی رویکرد فضیلت‌گرا سوق می‌یابد؛ رویکردی که یکی از وجوه امتیاز آن از دو دیدگاه رقیب، یعنی نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی، تأکید بر نیت و قلب و منش فاعل اخلاقی است، نه اینکه صرفاً به ارزش دآوری افعال (با توجه به نتایج یا بی‌توجه به آن) بپردازد (Hursthouse, 1997, P. 219)؛ گرچه به باور نویسنده، قرابت‌های زیادی بین فضیلت‌گرایی و اخلاق قرآنی وجود دارد که نمونه‌ای از آن در توجه به اراده، نیت و منش فاعل اخلاقی است و اینکه آنچه در نهایت مهم است، تغییر باطن و ملکات نفسانی انسان است؛ به‌گونه‌ای که جوهر وجودی انسان تغییر یابد و او را از فضای غلبه قوای حیوانی به تسلط قوای انسانی برساند و در نتیجه زمینه اتصال او را به عالم ملکوت فراهم سازد.

دراین‌باره می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱. آیه ۱۷۷ سوره بقره: «وَلَكِنَّ الْإِبْرَءَمَنْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ»، که در تعریف برّ و نیکی، موصول «من» و صلة آن ذکر شده است. پرسشی که در اینجا مطرح است و بسیاری از مفسران بدان اشاره کرده‌اند، این است که چگونه «من» که اسم ذات است، خبر برای «برّ» واقع شده که اسم معناست؟ یکی از پاسخ‌های

مشهور به این پرسش این است که در اینجا، «بر» به معنای «بار» است؛ یا پیش از «من»، واژه دیگری نظیر «بر» در تقدیر است. پاسخ دیگر نیز حمل چنین ساختاری بر مبالغه به کار می‌رود؛ چنان که برای بیان مبالغه در «عدالت علی» و انتقال این معنا که علی علیه السلام مجسمه عدالت است، به جای اینکه گفته شود «علی علیه السلام عادل است»، گفته می‌شود «علی علیه السلام عدل است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹۸-۵۹۹؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۲۰؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۰۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۳۰). تفسیر فضیلت‌محور از این آیه به این صورت است که نیکی حقیقی جز با منش فاعل اخلاقی و اراده و نیت و ملکات نفسانی او مربوط نیست (مصباح، ۱۳۹۱). بنابراین زمانی می‌توان فرد را نیکوکار دانست که باطن وی معنوی و آمیخته با اراده معطوف به خداوند و مسیر الهی باشد. به تعبیر دیگر، چنانچه بر همان فضیلت باشد - که به نظر هست - فضیلت اخلاقی، اولاً و بالذات ناظر به ملکات نفسانی فرد است. بنابراین به جای اینکه نیکی و اخلاق با اشاره به رفتارهای نیک معرفی شود، بهتر و دقیق تر آن است که با ارجاع به منش فاعل شناسانده شود. در برخی تفاسیر به این نکته اشاره شده است که بر همان ایمان به خدا و... و پیامدهای عملی مرتب بر آن است (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۱).

۲. در آیه ۴۶ سوره هود «قَالَ يٰ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» نیز فرزند حضرت نوح علیه السلام عمل غیر صالح معرفی شده است که این استعمال نیز بنا بر نظر بسیاری از مفسران، مبالغه است و برای بیان شدت غیر اخلاقی بودن فعل وی و عمیق بودن افعال ناشایست مطرح شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۱۶). این تعبیر، در نگاه فضیلت‌گرایانه به اخلاق قرآنی می‌تواند حاکی از خبث باطنی فاعل اخلاقی دانست.

۳. آیه ۸۴ سوره اِسراء «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» نیز به نقش شاکله انسان در عمل او اشاره دارد. معناشناسی شاکله و ارتباط آن با شخصیت و فطرت و منش انسان، نیازمند پژوهش‌های مستقل است؛ اما آنچه در اینجا حائز اهمیت است، ارتباط شاکله با ملکات نفسانی است که در اثر افعال ارادی و اختیاری انسان به وجود می‌آید. بنابراین شاکله انسانی امری ثابت و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه انسان در ایجاد و نیز تقویت یا تضعیف آن مؤثر است. بنابراین افعال جوارحی انسان وابسته به افعال جوانحی او هستند که ارتباط وثیقی با ملکات نفسانی و منش فاعل اخلاقی و نیت او دارند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۲۴۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۱۳).

۸. وحدت منشأ ارزش اخلاقی

پیش از این روشن شد که بر اساس برخی آیات قرآن کریم، منشأ ارزش اخلاقی تقواست و اخلاق قرآنی را می‌توان با کلیدواژه «تقوا» از سایر گونه‌های اخلاق تفکیک کرد؛ سپس با تحلیل نقلی تقوا، به عنصر قوام‌بخش تقوا، یعنی ایمان، اشاره شد و با اشاره به آیات قرآن کریم این نکته مورد تأکید قرار گرفت که ایمان به خداوند و لوازم آن، نظیر ایمان به ملائکه، کتب آسمانی و رسولان الهی، منشأ شکل‌گیری تقواست. بر این اساس، اخلاق اسلامی از منشأ واحدی به نام ایمان به خداوند - یا به تعبیر دیگر «توحید» - ناشی می‌شود؛ چنان که همگان را به حرکت به سوی کمال مطلق و قرب الهی جهت‌دهی

می‌کند از منظر اخلاق قرآنی، اساس اسلام به توجه دادن انسان به خداوند واحد است و همه ارزش‌های اخلاقی، «یا مستقیماً انسان را متوجه خداوند می‌کند و یا مقدمات توجه و قرب به او را فراهم می‌سازد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳-۱۱۶) و همه انسان‌ها را ترغیب می‌کند که با حرکت به سوی خداوند متعال، به رنگ الهی درآیند: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸).

نتیجه‌گیری

با تمرکز بر مسئله منشأ ارزش اخلاقی و تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم به منظور دستیابی به شاخصه‌های منشأ ارزش اخلاقی، روشن شد که منشأ ارزش اخلاقی در رویکرد قرآنی، تقواست که خود متشکل از عناصر مختلفی است که اساسی‌ترین آنها به لحاظ منشأ شکل‌گیری، برخورداری از ایمانی است که خود منوط به تحقق علم و آگاهی و عقلانیت است. از این منظر، معنوی بودن و عقلانیت از ارکان اصلی اخلاق قرآنی است. بدون تردید، منشأ اخلاق قرآنی از واقعیت عینی برخوردار است و احساسی، قراردادی و دستوری نیست. اخلاق قرآنی به دلیل برخاسته بودن از ایمان عمیق و درونی، انگیزه کافی را برای تحقق افعال متناسب با اهداف عالی انسان تأمین می‌کند و او را به مسیر واحد و یگانه تقرب الهی سوق می‌دهد. به‌طور خلاصه برخورداری از واقعیت عینی، معنویت، عقلانیت، انگیزه‌بخشی، درونی و قلبی بودن، و واحد بودن، مهم‌ترین ویژگی‌های منشأ اخلاق قرآنی هستند. مجموعه شاخصه‌های یادشده را می‌توان «شاخصه‌های اخلاق قرآنی» برشمرد و آنها را زمینه‌ساز تبیین قوی از نظریه اخلاقی مختص قرآن کریم دانست که از جهات متعددی با نظریه فضیلت‌گرایی قابل مقایسه و بررسی است. لحاظ شاخصه‌های یادشده، در طرح الگوی اخلاق قرآنی به‌مثابه نوعی فضیلت‌گرایی، تأثیرگذار خواهد بود و با تمرکز بر این نوع نگاه به اخلاق، مخاطب اخلاق قرآنی بیش از پدیده‌ها و جریان‌ات بیرونی و آفاقی به وقایع و تغییرات انفسی توجه خواهد کرد و با اتصاف به این نوع تربیت اخلاقی، بیش از آنکه برای انجام فعل مجذوب انگیزه‌های بیرونی شود، از درون برای صدور فعل اخلاقی انگیزه‌مند خواهد بود. افزون بر این، دستیابی به هدف اخلاق قرآنی، اخلاقی پیشگیرانه را به‌جای درمان‌گرانه پیش پای مخاطبان و علاقه‌مندان به اخلاق و تربیت اخلاقی خواهد گذاشت؛ بدین معنا که با قرار گرفتن در مسیر تربیت اخلاقی ناشی از رویکرد فضیلت‌گرایانه به اخلاق، فاعل اخلاقی به‌صورت بسیار محسوسی خود را در معرض آسیب اخلاقی قرار خواهد داد و در صورت قرار گرفتن در چنین وضعیتی نیز قادر خواهد بود که به بهترین وجه موقعیت اخلاقی را با کمترین تأثر از رذایل اخلاقی مدیریت کند. روشن است که نتایج یادشده بخشی از ثمرات چنین رویکردی خواهد بود و تفصیل آن پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

منابع

قرآن کریم

- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسبیح تفسیر قرآن کریم*. تنظیم و ویرایش: علی اسلامی. قم: اسراء.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. مقدمه: گروهی از نویسندگان. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. دمشق و بیروت: الدار الشامیه و دار القلم.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق). *تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار*. بیروت: دار المعرفه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۹). *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم: کتاب طه.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. زیر نظر محمدتقی مصباح بزدی. تهران و قم: مدرسه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محیطی اردکان، حسن (۱۳۹۶). بررسی ادله قرآنی عرف‌گرایان اثباتی در قلمرو اخلاق. *قرآن‌شناخت*، ۱۰(۱۸)، ۱۰۳-۱۰۹.
- محیطی اردکان، حسن و احمدی، حسین (۱۴۰۰). *فلسفه اخلاق: فرائض اخلاقی و اخلاق هنجاری*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- محیطی اردکان، حسن و احمدی، حسین (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی معیار ارزش در اخلاق ارسطویی. *حکمت اسلامی*، ۶(۱)، ۵۷-۷۷.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). به سوی تو. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴الف). به سوی خودسازی. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ب). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *فلسفه اخلاق*. تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). رهنوشه. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). *عروج تا بی‌نهایت*. تنظیم و گردآوری: محمدرضا غیائی کرمانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳الف). *انسان‌سازی در قرآن*. تحقیق و نگارش: محمود فتحعلی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳ب). *جرعه‌ای از دریای راز*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). *زینهار از تکبر! شرح بزرگ‌ترین خطبه نهج‌البلاغه در نکویش متکبران و فخر فروشان*. تدوین و نگارش: محسن سبزواری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مصباح، مجتبی (۱۳۸۷). بنیاد/اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش اخلاقی. /اخلاق و حیانی، ۲(۱)، ۸۱-۱۰۴.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). /التحقیق فی کلمات القرآن/الکریم، ج ۱۳. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معلمی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه/اخلاق. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- ون دیت، ژان و بروگ، الینور اسکار (۱۳۷۸). چپستی ارزش. ترجمه اصغر افتخاری. قیسات، ۴(۱۳)، ۱۱۰-۱۲۵.
- Hursthouse, Rosalind (1997). Virtue theory and abortion. In: *Virtue ethics*. E.d: Roger Crisp and Michael Slote. New York: Oxford University Press.
- Slote, Michael (2001). teleological ethics. In: *Encyclopedia of ethics*. E.d: Lawrence C, Becker and Charlotte B Becker. New York: Routledge.